فیلم‌کده

آخر هفته چی ببینیم؟

تنوع فیلم، سریال و برنامه‌های سرگرمی که در آخر هفته‌ها از شبکه‌های مختلف تلویزیون و نمایش خانگی پخش می‌شود، به قدری بالاست که علاقه‌مندان را ساعت‌ها پای تلویزیون می‌نشاند. بخشی از برنامه‌ها را مرور می‌کنیم.

مسابقه

پنج ستاره

کارگردان: فرهاد مختاری

ژانر: مسابقه/سرگرمی

تهیه‌کننده: محمد قنبری

مجری: حسین رفیعی

بستر پخش: شبکه ۵سیما

معرفی: مسابقه سنجش اطلاعات عمومی شرکت‌کنندگان است. در هر قسمت ۲ شرکت‌کننده در حضور ۱۰۰ تماشاگر با هم رقابت می‌کنند تا ۵ ستاره کسب کنند و برنده آن قسمت شوند. امکان حضور عموم در این برنامه به‌عنوان تماشاگر وجود دارد.

سریال

مظنون

تهیه‌کننده: جاناتان نولان

ژانر: اکشن

صداگذاری: منوچهر زنده‌دل، زهره شکوفنده، سعید مظفری، همت مومیوند و اکبر منانی

بستر پخش: شبکه تماشا

معرفی: این سریال در ادامه حوادث ۱۱سپتامبر می‌گذرد. پس از حمله به برج‌های دوقلوی نیویورک، دولت آمریکا تصمیم می‌گیرد که با کمک نوابغ رایانه‌ای، دستگاهی با هوش مصنوعی بسازد که با استفاده از دوربین‌های نظارتی و مدار بسته، حملات تروریستی را پیش‌بینی کند. «هارولد فینچ» با بازی مایکل امرسون یکی از همین نوابغ است که این دستگاه را می‌سازد و در اختیار دولت قرار می‌دهد.

سریال

هفت

تهیه‌کننده و کارگردان: کیارش اسدی‌زاده

ژانر: اکشن/معمایی

بازیگران: امیر جعفری، هانیه توسلی، مینا ساداتی، رضا کیانی، بابک حمیدیان، علی مصفا، مهدی هاشمی و...

بستر پخش: تماشاخانه

معرفی: درباره ۷ دانشجوست که برای پول در آوردن وارد راه خلاف می‌شوند و شعارشان این است که «ما رفیق‌بازیم، پای هم می‌ایستیم، بزنند می‌زنیم، بکشند، می‌کشیم، ما هفتا تا تهش می‌رویم ولی نمی‌بخشیم، تهش هرچی که باشد باز هم هستیم، بازه هم هفتیم!»

سریال

سایه‌باز

تهیه‌کننده و کارگردان: علی یاور

ژانر: درام/معمایی

بازیگران: مهدی هاشمی، شکیب شجره، همایون ارشادی، نیما شعبان‌نژاد، شبنم قلی‌خانی، سام قریبیان و...

بستر پخش: آپرا

معرفی: داستان درباره زندگی برزو شمس، تاجر و برج‌ساز موفقی است که در شب جشن نامگذاری تنها نوه‌اش با دوست قدیمی خود روبه‌رو می‌شود. این ملاقات، زندگی گذشته او را برملا کرده و سرآغاز اتفاقات تازه‌ای در زندگی برزو می‌شود.

کتابفروشی‌های محلی توسعه می‌یابند

محمدمهدی اسماعیلی؛ وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: کتابفروشی‌های محلی اهمیت بسیاری در بسط فرهنگ کتابخوانی دارند و دسترسی به کتاب را آسان‌تر می‌کنند؛ از این‌رو درصدد توسعه کتابفروشی‌های محلی هستیم. همچنین به‌دنبال این هستیم که در همه شهرها، کتابفروشی دایر شود. در حال حاضر در برخی شهرها به دلایل مختلف مثل هزینه‌ها، شرایط ایجاد کتابفروشی خوب و مطلوب وجود ندارد.

هتل، گریزی به زندگی زوج‌های جوان است

محمود گبرلو، تهیه‌کننده و مجری تلویزیون: فیلم سینمایی «هتل» وضعیت زندگی امروزی زوج‌ها را نشان می‌دهد. اینکه گاه یک مرد متاهل یا گاه دختران ناآگاه به‌خاطر نبود صداقت و دروغ‌گویی، پایه‌های مستحکم روابط زناشویی را تخریب می‌کنند و منجر به گسست و بی‌اعتمادی در جامعه می‌شوند. این فیلم از لحاظ فرم ساختار و فیلمنامه خیلی تمیز و مرتب درآمده و از دیدن آن لذت بردم.

امین زندگانی، بازیگر سینما و تلویزیون

نمی‌خواستم بازیگر شوم!

اشتباه خنده‌دار پلیس

امین زندگانی از بازخورد نقش‌ها و برخورد مردم خاطرات بسیاری دارد که یکی از آنها را چنین تعریف می‌کند: «یادم هست یک‌بار با دوستم در ماشین کنار خیابان در محدوده توقف ممنوع ایستاده بودیم و ماشین پلیس راهور در حالی که به ما نزدیک می‌شد در بلندگو اعلام می‌کرد که حرکت کنیم. دوستم گفت: «الان جریمه می‌شویم... مثلا تو بازیگری؛ خب به یک دردی بخور!» سرم را از ماشین بیرون آوردم و با شرمندگی به پلیس گفتم: «جناب سروان اگر ممکن است ما ۱۰دقیقه بیشتر اینجا بمانیم؟» نگاه آشنایی کرد و با لبخند گفت: «به به... آقای امین حیایی.... سریال خط قرمز را چقدر خوب بازی کردی و....» خلاصه اینکه آقای پلیس من و شهرام حقیقت‌دوست و امین حیایی را با هم قاتی کرد و یک شخصیت جدید ساخت.»

گفت‌وگو
پریسا نوری
روزنامه‌نگار

اوایل دهه ۷۰ و به‌رغم مخالفت خانواده وارد دنیای بازیگری شد و در این سال‌ها با بازی در ده‌ها فیلم و سریال از ژانر تاریخی و مذهبی تا فانتزی و کودک و نوجوان توانایی‌اش را برای ایفای نقش‌های متنوع به رخ کشید. امین زندگانی، حالا در ۵۱سالگی و با مرور کارنامه حرفه‌ای‌اش می‌گوید همیشه دلش می‌خواسته کارگردان شود و قصد دارد در آینده شانسش را در این عرصه امتحان کند. این هنرمند که این روزها در کنار همسرش الیکا عبدالرزاقی علاوه بر اداره آموزشگاه بازیگری، تئاتر هملت را روی صحنه دارد، قرار است به‌زودی در قامت مجری در یک مسابقه تلویزیونی حاضر شود، به همین بهانه با او همکلام شدیم. زندگانی برای ما از ورودش به دنیای بازیگری، فعالیت‌های هنری، خاطرات، تجربه‌ها و دغدغه‌هایش گفت.

شنیده‌ایم قرار است به‌زودی به‌عنوان مجری یک برنامه اقتصادی‌محور به تلویزیون برگردید، درست است؟

بله یک مسابقه با محوریت شرکت‌های دانش‌بنیان و با هدف حمایت از تولیدات داخلی است که در قالب تلنت‌شو تولید می‌شود و در آن کارآفرینان و شرکت‌های دانش‌بنیان وارد یک رقابت بزرگ می‌شوند. این برنامه اکنون در مرحله پیش‌تولید است ولی قرار است تا قبل از پایان سال به آنتن برسد.

پس قرار است از این پس شما را درکسوت مجری تلویزیون ببینیم؟

نه اینطور نیست. چندان علاقه‌ای به کار اجرا ندارم؛ مگر اینکه کارهایی مثل همین برنامه موضوع خاص و جدیدی داشته و برایم جذاب باشد.

جایی گفته بودید قرار نبود بازیگر شوید، دلتان می‌خواست چه شغلی داشتید؟

از اول به قصد کارگردانی وارد دانشگاه هنر و این حرفه شدم، اما شرایط دست به‌دست هم داد تا بیشتر در زمینه بازیگری فعالیت کنم. در واقع آنقدر در کوران کاری قرار گرفتم که وقتی چشم باز کردم دیدم بیش از یک دهه از عمرم صرف بازیگری شده است. هرچند ناراضی هم نیستم اما اگر عمری باقی باشد در آینده درکسوت کارگردانی خدمت می‌کنم.

البته همین حالا هم دستی در کارگردانی و تهیه کنندگی دارید. کارگردانی فیلم سینمایی «کتاب سرخ» و تهیه‌کنندگی تئاتر «هملت» هم در کارنامه‌تان هست.

بله حتی پیش‌تر وقتی ۲۳ساله بودم به‌عنوان جوان‌ترین کارگردان در جشنواره تئاتر فجر حضور داشتم و یکی، دو کار را هم کارگردانی کردم. در تئاتر هملت هم کارگردان کار خانم عبدالرزاقی لطف کرده و اسم بنده را به‌عنوان تهیه‌کننده رد کردند، ولی درواقع تمام زحمات را خودشان انجام دادند.

اگر کارگردان شوید، دوست دارید چه فیلم یا سریالی بسازید؟

به تاریخ علاقه دارم و دوست دارم حول و حوش مستندات تاریخی کار کنم.

سال ۷۴ جایزه بهترین بازیگر مرد را از جشنواره تئاتر فجر بردید. چرا این اتفاق تکرار نشد؟

(می‌خندد) این سؤال را باید از هیأت داوران بپرسید، من که خیلی دوست داشتم تکرار شود.

از جایگاهتان به‌عنوان بازیگر راضی هستید؟

اصولا آدم‌ها همیشه از خودشان و موقعیتشان ناراضی هستند، ولی من حالا که ۵۰سالگی را رد کرده‌ام ذهنیت و نگاهم نسبت به دنیا عوض شده است. اگر بخش مالی را درنظر نگیریم الان خوشحالم که جزو آدم‌هایی هستم که خداوند به من لطف داشته و جایگاهم را دوست دارم.

پس اگر زمان به عقب برگردد، همین مسیری را که تا امروز رفتید، دوباره انتخاب می‌کنید؟

اگر زمان به عقب برگردد، قاعدتا انتخاب‌هایم عوض می‌شود؛ چون این حرفه متشکل از انتخاب‌های بسیاری هست و اینکه یک فرد بپذیرد چه کارهایی را قبول یا رد کند، همین سرنوشت آدم را عوض می‌کند.

در این سال‌ها پیش آمده که نقشی را بازی کنید و بعدا پشیمان شوید؟

خوشبختانه هنوز به اینجا نرسیدم که نقشی را بازی کنم و بعد بگویم که ای کاش بازی نمی‌کردم. البته پیش آمده از قبول کردن پروژه‌ای که مجبور بودم با عوامل غیرحرفه‌ای کار کنم پشیمان شده باشم، اما از نقشم هرگز.

پس از ایفای نقش «مسلم‌بن عقیل» در سریال مختارنامه، در فیلم سینمایی «ماه پیشونی» حضور داشتید. این انتخاب باعث شد انتقاداتی به شما شود. درست است؟

بله ولی خودم آن کار را خیلی دوست داشتم. دلم می‌خواست از نقش‌های کلیشه‌ای فاصله بگیرم و ساختارشکنی کنم. فکر می‌کنم در آن زمان این ساختارشکنی ضروری بود.

خب چرا؟

چون بار سنگین مسئولیت اینکه آدم‌ها ذهنیتی داشته باشند که شاید حتی نزدیک به زندگی واقعی آدم نباشد ترسناک است. یادم هست بعد از بازی در مختارنامه برای کاری به بانک رفته بودم خانمی آمد و از من خواست تلفنی با مادرشان صحبت کنم؛ وقتی گوشی را گرفتم مادرشان گفت قرار است در بیمارستان جراحی شود و خواست او را دعا کنم. این اتفاق باعث شد بعد از آن نقش‌هایی انتخاب کنم که ذهنیت تماشاگر عوض شود.

نقطه عطف کارنامه بازیگری‌تان کجاست؟

آشنایی‌ام با آقای داود میرباقری در سریال «معصومیت از دست رفته» و بعد از آن بازی در فیلم «ملک سلیمان.»

فکر می‌کنید بعد از بازی در کدام فیلم و سریال در میان مردم شناخته شدید؟

سریال مختارنامه و بازی در نقش مسلم‌ابن عقیل باعث شد جدی گرفته و در نگاه مردم به‌عنوان بازیگر مطرح شوم، هر چند قبل از آن مردم من را می‌شناختند.

بین نقش منفی و مثبت کدام را انتخاب می‌کنید؟

من چهره‌ام بیشتر به نقش منفی می‌خورد تا مثبت؛ ولی واقعیت این است که در کشور ما انتخاب بازیگران کلیشه‌ای هست و ما بازیگران بیشتر از اینکه انتخاب کنیم، انتخاب می‌شویم. در دنیا شرکت‌هایی وجود دارد که بازیگران را از همه لحاظ می‌سنجند و به کارگردان کمک می‌کنند بازیگرانی را انتخاب کند که تماشاگر را به وجد بیاورند؛ یعنی با حضور بازیگر در آن نقش مخاطب از خودش بپرسد این بازیگر چطور برای این نقش انتخاب شده. اما در اینجا چنین دانشی وجود ندارد و انتخاب بازیگران براساس مد روز، ارتباطات شغلی و نگاه کلیشه‌ای است و در بسیاری موارد می‌بینیم با وجود اینکه بازیگر خوب است، اما چون به درد نقش نمی‌خورد، کار خراب می‌شود.

در دنیای بازیگری حتما برایتان پیش آمده که دلتان بخواهد با کارگردان خاصی کار کنید؟

شاید تا ۲دهه قبل بله، ولی الان احساس می‌کنم همه دچار رخوتی شدیم و تا حدودی از بخش هنری حرفه‌مان فاصله گرفتیم. یک زمانی بعد از فیلم «دیده‌بان» و «از کرخه تا راین» خیلی دلم می‌خواست با آقای حاتمی‌کیا کار کنم. اما الان تعداد آدم‌هایی که براساس خطوط هنری و فکری خاص جلو بروند، کم شده است.

آخرین حضورتان در تلویزیون مربوط به سال قبل و بازی در سریال «حبیب» است؛ سریالی که در سوریه و با حضور بازیگران و عوامل سوری ضبط شد. تجربه حضور در این سریال چطور بود؟

تجربه حضور در یک گروه غیرایرانی و غیرهم‌زبان بسیار چالش‌برانگیز و جذاب بود. البته به لحاظ امکانات شرایط سخت بود؛ جایی نزدیک دمشق بودیم و به‌خاطر خرابی‌های ناشی از جنگ فقط روزی یک ساعت برق داشت، اما آنجا دوستان خیلی خوبی پیدا کردم که هنوز با هم ارتباط داریم. آنجا فهمیدم اینکه می‌گویند هنر، زبان مشترک همه ملت‌هاست حرف درستی است. ما با وجود اینکه همزبان نبودیم، اما اشتراکات هنری بسیاری داشتیم؛ مثلا آنها استاد شجریان و خیلی از خوانندگان قدیمی ما را خوب می‌شناختند و آهنگ‌هایشان را گوش می‌کردند.

لوکیشن فیلمبرداری در سوریه امن بود؟

نه چندان. لوکیشن در یک منطقه جنگ‌زده به نام «داریا» با تخریب ۸۰درصدی ساختمان‌ها بود. از بالای هتل محل اقامتمان هم تقریبا هر شب موشک شلیک می‌شد و گاهی در اطراف هتل تلفات می‌گرفت. آن موشک‌ها بین منطقه زینبیه و بلندی‌های جولان رد و بدل می‌شد.

نمی‌ترسیدید موشک به هتل برخورد کند؟

نه چندان؛ چون معتقدم کرنومتر فرشته مرگ دقیق کار می‌کند و اگر عمرت سرآمده باشد، فرق نمی‌کند تهران باشی یا دمشق.

خیلی‌ها معتقدند دستمزد بازیگران سینما و تلویزیون زیاد است، نظر شما چیست؟

به اعتقاد من یک بازیگر اگر بخواهد کار متفاوت و خوب ارائه دهد باید کم کار و گزیده‌کار باشد پس باید دستمزد زیاد بگیرد. البته ما در ایران هنرمند کم‌کار و گزیده‌کار بسیار کم داریم شاید فقط یکی مثل استاد نصیریان داریم که امیدوارم عمرشان طولانی باشد.

صحبت از سینما شد، اهل سینما رفتن هستید؟

نه متأسفانه خیلی وقت است به سینما نرفتم و فیلم‌ها را از پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی می‌بینم.

به‌دلیل اداره آموزشگاه بازیگری با نسل جوان و علاقه‌مند به این حرفه سروکار دارید. در قیاس با نسل خودتان، هنرجوهای بازیگری را چطور می‌بینید؟

نسل ما خیلی صبورتر بود. در دوره ما پروسه بازیگرشدن تا دیده‌شدن حداقل ۱۰سال طول می‌کشید، اما این حوصله در نسل جدید کمتر دیده می‌شود. الان سیستم آموزشی تغییر کرده. در زمان ما آیین نگارش و انشا در مدرسه اهمیت داشت و بچه‌ها تشویق می‌شدند کتاب بخوانند اما نسل جدید به‌خاطر استفاده زیاد از تبلت و موبایل دایره لغاتشان کم شده و در مدرسه به آیین نگارش و خوانش و روان‌خوانی و انشا اهمیت چندانی نمی‌دهند، البته کرونا و کلاس‌های آنلاین هم مزید بر علت شد.

از علاقه به حیوانات تا بازیگری

برخلاف خیلی از بازیگران که از کودکی علاقه‌مند به این حرفه بودند، این هنرمند به‌دلیل علاقه به حیوانات رشته هنر و در نهایت بازیگری را انتخاب کرده است. او از جرقه‌ای که پایش را به دنیای بازیگری باز کرد اینطور یاد می‌کند: «خانواده چندان موافق بازیگری‌ام نبودند و اصرار داشتند پزشک شوم اما در دوره کودکی فیلمی دیدم که بازیگرش ارتباط خوبی با حیوانات داشت و چون من هم عاشق حیواناتم، به قدری این فیلم رویم تأثیر گذاشت که تصمیم گرفتم بازیگر شوم.» علاقه این بازیگر به حیوانات موجب شده که او ۳گربه را که شرایط جسمی بدی داشتند تیمار کرده و از آنها نگهداری کند. زندگانی می‌گوید: «۲تا گربه را در اینجا و سومی را در سوریه وقتی برای بازی در سریال حبیب رفته بودم پیدا کردم که مریض‌احوال بود و شرایط بدی داشت.»

از سوری‌ها شاد زیستن را یاد گرفتم

بازیگر سریال «حبیب» تجربه حضور در سوریه را متفاوت می‌داند: «در مدت حضورم در سوریه و با دیدن خرابی‌های ناشی از جنگ افسوس می‌خوردم، اما مردم خودشان با تمام این فشارها و سختی‌ها آدم‌های بسیار شادی بودند و من شادزیستن را از آنها یاد گرفتم.» او درباره تجربه سوری‌ها از جنگ می‌گوید: «یک شب سر میز شام چند خانواده از شهرهای مختلف و ادیان مختلف دور هم جمع بودند و کمی که صحبت کردند متوجه شدیم در جنگ پدر یکی از خانواده‌ها توسط یک گروه مسلح که با آن یکی خانواده ارتباط خوبی داشته، کشته شده، ولی برایم جالب بود که آنها با هم در صلح بودند و صحبت می‌کردند. بعدا از یکی‌شان پرسیدم جریان چیست گفت: مادر این ۳سال که جنگ تمام‌شده فهمیدیم چقدر پدر و مادرهایمان اشتباه کردند که وارد جنگ شدند؛ ما آنها را بخشیدیم و هرگز اجازه نمی‌دهیم این اشتباه و تجربه تلخ تکرار شود.»

اخراج از کار!

هر چند اخراج از کار تجربه خوشایندی نیست و معمولا جزو خاطرات تلخ به‌حساب می‌آید، اما این هنرمند از خاطره اخراجش از محل کار به شیرینی یاد می‌کند و آن را مقدمه ورودش به دنیای بازیگری حرفه‌ای می‌داند: «در جوانی حسابدار شرکت بودم و به‌خاطر اینکه بیشتر وقتم را صرف بازیگری تئاتر می‌کردم، حساب و کتاب‌های شرکت به هم ریخت. مدیرعامل شرکت که آدم بسیار خوب و محترمی بود صدایم کرد و پرسید: «از بازیگری چقدر درآمد داری؟» من هم خواستم از تک و تانیفتم یک رقم بالا بگفتم. مثلا اگر ماهی ۳۰۰درآمد داشتم گفتم ۵۰۰تومان می‌گیرم. آن زمان حقوقم در شرکت ماهی ۱۰۰هزار تومان بود. مدیرعامل گفت: «اینجا سالانه یک میلیون و ۲۰۰می‌گیری، ولی در بازیگری این پول را ۳ماهه درمی‌آوری، من جای تو باشم اینجا را بی‌خیال می‌شوم و می‌روم سراغ بازیگری... به‌نظرم دیگر اینجا نیا!...» خلاصه اینکه خیلی محترمانه و مودبانه اخراجم کرد. من هم گفتم چشم و رفتم سراغ بازیگری. وقتی فکر می‌کنم می‌بینم او در حقم لطف کرد و باعث شد بازیگری را حرفه‌ای دنبال کنم.»